



Research Paper

A Phenomenological Analysis of the Causes of School Dropout among Male Upper Secondary Students in Rural Mountainous Areas (Case Study: The Mountainous Villages of Silvana)

Ayoub Badraqh Nejad ^{*1}, Mahboob Babaei ², Khosrow Sharifi ³

¹ Assistant Professor, Department of Geography, Payame Noor University, Tehran, Iran.

² PhD in Human Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran.

³ MA in Sociology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Keywords

School dropout; Silvana rural areas; Qualitative research; Integrated educational poverty; Paradigmatic model.



ABSTRACT

Today, school dropout and academic underachievement are among the most significant challenges facing education systems and educational authorities worldwide. This study aims to examine, analytically and phenomenologically, the causes of school dropout among male upper-secondary school students in Silvana's mountainous rural areas. The study adopts a qualitative, phenomenological approach. Consistent with the study's nature, the researchers used criterion-based purposive sampling and conducted in-depth, semi-structured interviews. The researchers determined the sample size by theoretical saturation, reached after 12 interviews. Participants were upper-secondary school teachers with direct contact with students who had dropped out of school. Data collection and analysis followed grounded theory procedures, involving three stages of coding: open, axial, and selective. Ultimately, the study identified five major categories related to the research topic and organized them into a paradigmatic model centered on the core phenomenon of "Integrated Poverty in the Mountainous Rural Environment as a Context for School Dropout at the Upper-Secondary Level." The findings revealed that participants (teachers) identified five major categories, derived from 98 initial themes and 35 main themes, as the primary causes of school dropout in the study area's rural communities. These categories included: (1) economic and livelihood-related factors, (2) social factors, (3) cultural and educational factors, (4) family-related and individual factors, and (5) managerial and infrastructural factors. Based on the identified causal, intervening, and contextual conditions, the study developed a conceptual model to prevent and minimize school dropout among rural male students. The findings further indicated that the participants believed the school dropout rate in the study area was increasing annually. Therefore, consistent with the interpretive paradigm's assumptions, the study understood the fundamental and underlying causes of school dropout among upper-secondary school students in the rural areas of Silvana through a central perspective: pervasive, multidimensional deprivation within the rural environment, encompassing economic, sociocultural, value-related, and infrastructural dimensions.

*Corresponding Author: Ayoub Badraqh Nejad

Email Address: a_badraqh@pnu.ac.ir

Badraqh Nejad, A., Babaei, M., & Sharifi, K. (2026). A Phenomenological Analysis of the Causes of School Dropout among Male Upper Secondary Students in Rural Mountainous Areas (Case Study: The Mountainous Villages of Silvana). *Human Ecology*, 5(14), 2322–2332.



DOI: <https://doi.org/10.22034/he.2026.574019.1197>



مقاله پژوهشی

تحلیلی بر پدیدارشناسانه علل ترک تحصیلی دانش آموزان پسر دوره متوسطه دوم، در نواحی روستایی، مناطق کوهستانی (مورد مطالعه: نواحی کوهستانی روستاهای سیلوانا)

ایوب بدرق نژاد^{۱*} محبوب بابایی^۲ خسرو شریفی^۳

^۱ استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

^۲ دکترای جغرافیای انسانی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران.

^۳ کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

واژگان کلیدی

ترک تحصیلی؛ روستاهای سیلوانا؛ روش کیفی؛ فقر یکپارچه تحصیلی؛ الگوی پارادایمی.

اسکن کنید



چکیده

امروزه ترک تحصیل و افت تحصیلی در تمام کشورهای جهان از عمده ترین مسائل آموزش و پرورش و حتی مسئولان نظام آموزشی است. هدف پژوهش حاضر، بررسی تحلیلی و پدیدارشناسانه علل ترک تحصیل دانش آموزان پسر دوره متوسطه دوم در نواحی کوهستانی روستاهای سیلوانا است. روش پژوهش کیفی و از نوع پدیدارشناسی است. در این پژوهش، متناسب با ماهیت تحقیق، از نمونه گیری هدفمند معیار و تکنیک مصاحبه های عمیق و نیمه ساختار یافته استفاده شده است. حجم نمونه بر مبنای قاعده اشباع نظری، تا ۱۲ مصاحبه تعیین شد. همچنین، مشارکت کنندگان شامل معلمان دوره متوسطه دوم بودند که با دانش آموزان ترک تحصیل کرده ارتباط مستقیم داشتند. کلیه مراحل جمع آوری داده ها با روش نظریه داده بنیاد و در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد. در نهایت، ۵ مقوله اصلی مرتبط با موضوع شناسایی شد و در قالب یک الگوی پارادایمی با محوریت مرکزی "فقر یکپارچه محیط کوهستانی نواحی روستایی به مثابه میدان ترک تحصیل در مقاطع متوسطه دوم" طراحی شد. نتایج نشان داد که ۵ مقوله اصلی (برآمده از ۹۸ تم اولیه و ۳۵ مضمون اصلی)، از دیدگاه مشارکت کنندگان (معلمان)، به عنوان علل ترک تحصیل در جامعه روستایی محدوده مورد مطالعه عبارت اند از: (۱) مقوله اقتصادی-معیشتی، (۲) مقوله اجتماعی، (۳) مقوله فرهنگی-آموزشی، (۴) مقوله خانوادگی (فردی) و (۵) مقوله مدیریتی-زیرساختی. در نهایت، الگوی مفهومی مناسبی برای جلوگیری از ترک تحصیل پسران روستایی و به حداقل رساندن آن، بر اساس شرایط علی، مداخله گر و زمینه ای، ترسیم شد. نتایج نشان داد که جامعه کانونی بر این باور است که میزان ترک تحصیل در محدوده مورد مطالعه هر سال بیشتر می شود. بنابراین، مطابق باورهای پارادایم تفسیری، در حال حاضر می توان علل ریشه ای و اساسی ترک تحصیل دانش آموزان متوسطه دوم مناطق روستایی سیلوانا را در قالب یک دیدگاه بیان کرد: فقر یکپارچه محیط روستایی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، ارزشی و زیرساختی.

ارجاع به این مقاله: بدرق نژاد، ایوب، بابایی، محبوب و شریفی، خسرو. (۱۴۰۵). تحلیلی بر پدیدارشناسانه علل ترک تحصیلی دانش آموزان پسر دوره متوسطه دوم، در نواحی روستایی، مناطق کوهستانی (مورد مطالعه: نواحی کوهستانی روستاهای سیلوانا). اکولوژی انسانی، ۵(۱۴)، ۲۳۳۲-۲۳۳۳.

۱. مقدمه

امروزه ترک تحصیل یک مشکل اجتماعی مبرم است که از نارسایی‌های سیستمی در نظام آموزشی و پس‌زمینه اقتصادی-اجتماعی ناشی می‌شود. پرداختن به چالش ترک تحصیل، نویدبخش بهبود اجتماعی است و به سیاست‌گذاران قدرت می‌دهد تا سیاست‌های فراگیرتری را به نفع همه اعضای جامعه اعمال کنند. از معیارهای رشد و توسعه، باسودای و توزیع مناسب امکانات و فرصت‌های برابر آموزشی در میان قشرهای مختلف اجتماع در راستای تحقق عدالت آموزشی است. نابرابری فضایی جلوه‌های دیگری از نابرابری، از جمله نابرابری آموزشی، را به همراه دارد. یکی از مسائل مهم مناطق پیرامونی و روستایی، افت تحصیلی دانش‌آموزان است که از مصادیق و پیامدهای نابرابری آموزشی به شمار می‌رود و مانعی جدی پیش روی نظام آموزش و پرورش برای رسیدن به هدف دسترسی آموزشی است. از آنجایی که بیش از نیمی از جمعیت کشورهای درحال توسعه در روستاها زندگی می‌کنند، نقش روستاییان در تحقق اهداف توسعه‌ای انکارناپذیر است (Bhuimail and Sampa, 2005). به عقیده باهات، مناطق روستایی در زمینه آموزش، که یکی از زیرساخت‌های توسعه انسانی است، در مقایسه با نواحی شهری عقب‌ماندگی زیادی دارند. اهمیت فزاینده مهارت‌ها و شایستگی‌ها در اقتصادهای پیشرو امری غیرقابل‌کتمان است که در این میان، آموزش رسمی نقش مهمی در تحقق آن دارد (Choi Q Calaro, 2018). یافته‌های مطالعه بوگدان و همکاران نشان می‌دهد که همبستگی قابل‌توجهی میان وضعیت مالی خانواده و نگرش نسبت به آموزش وجود دارد و این عوامل بر نرخ ترک تحصیل در سراسر جهان تأثیر می‌گذارند (Bogdan Petre et al., 2024). محیط روستا آستن بسیاری از محرومیت‌هاست؛ از مشکلات اقتصادی گرفته تا انسدادهای فکری و فرهنگی. یکی از مشکلاتی که در روستاها نسبت به شهرها بسیار به چشم می‌خورد، ترک تحصیل دانش‌آموزان است؛ مسئله‌ای که همه‌ساله خانواده‌های زیادی را درگیر می‌کند و در مناطق روستایی و کمترتوسعه‌یافته بیشتر به چشم می‌آید. فقر والدین و نامناسب بودن شرایط اولیه زندگی، در کنار شبکه‌های اجتماعی محدود ارتباطی خانوارها در نواحی روستایی، باعث شکل‌نگرفتن درک صحیحی از منافع تحصیل می‌شود. از این رو، توجه به این مقوله و موانع تحقق آن در موقعیت‌های متفاوت و دارای ساختار آموزشی ویژه، مانند روستاها، ضروری است (شکوری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۱۷). طرح مسئله بازماندگی از تحصیل همچون پدیده‌ای اجتماعی، نیازمند فهمی اجتماعی است که بتواند بازتولید ساختارهای مولد بازماندگی را توضیح دهد. لزوم مهاجرت از روستا به شهر برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر و آموزش عالی، خود یکی از موانع ادامه تحصیل دانش‌آموزان روستایی قلمداد می‌شود. سرکوب عزت‌نفس دانش‌آموزان و دانشجویان بومی مهاجرت کرده به شهر از سوی دیگران نیز به کاهش انگیزه دانش‌آموزان روستایی برای ادامه تحصیل منجر می‌شود (Johnson & Levitan, 2021). لذا آموزش برای بقا و توسعه هر جامعه‌ای ضروری است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

ترک تحصیل مسئله‌ای فوری است که افراد و جوامع را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگرچه مدارس نقش مهمی در ارائه خدمات و حمایت از دانش‌آموزان در معرض خطر دارند، همکاری میان معلمان، والدین و سیاست‌گذاران برای ایجاد محیطی یادگیری‌بخش، حمایتی و فراگیر ضروری است. بدیهی است که رویکردی جامع، با پرداختن به ماهیت ظریف هر عامل، برای توسعه برنامه‌های کارآمد و مؤثر با هدف کاهش نرخ ترک تحصیل بسیار مهم است (Banaag et al., 2024). از دلایل ترک تحصیل می‌توان به افت تحصیلی، مشکلات مالی، ازدواج زودهنگام، بی‌زاری از مدرسه، بی‌تفاوتی خانواده، تأثیرات منفی گروه دوستان و بی‌تفاوتی نسبت به مدرسه اشاره کرد (Kadir Erani, 2024). ترک تحصیل و افت تحصیلی موجب افسردگی (Quiroga et al., 2013)، پیشرفت اجتماعی اندک، فساد اخلاقی، تحقیر و اتلاف سرمایه اجتماعی می‌شوند (Archambault et al., 2009). گال و همکاران (۲۰۱۴)، فقر، بی‌سوادی، ناتوانی والدین و بیکاری در میان مردم را از علل اصلی ترک تحصیل معرفی کرده‌اند. اهمیت فزاینده مهارت‌ها و شایستگی‌ها در اقتصادهای پیشرو امری انکارناپذیر است و آموزش رسمی در تحقق آن نقشی مهم دارد (Choi & Calero, 2018). بسیاری از دانش‌آموزان نواحی روستایی از انگیزه کافی برای درس‌خواندن و یادگیری برخوردار نیستند؛ این مسئله می‌تواند تحت تأثیر شرایط درونی و بیرونی باشد. به عقیده پیترسون، دسترسی‌نداشتن به مدارس به دلیل نامناسب بودن زیرساخت‌های نواحی روستایی و نبود زیرساخت‌های فیزیکی و غیرفیزیکی، به عدم حضور دانش‌آموزان و کاهش تمایل آنان به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر می‌انجامد. سرمایه‌گذاری اندک در آموزش، در کنار فقر خانوارهای روستایی و ناتوانی خانواده‌ها در سرمایه‌گذاری در حوزه آموزش، از دیگر دلایل ضعف عملکرد دانش‌آموزان روستایی در مقایسه با هم‌تایان شهری است. تنش‌های میان والدین و دانش‌آموزان، که غالباً در ارتباط با حفظ ارزش‌های فرهنگی کهن جوامع بروز می‌یابند، از چالش‌های دانش‌آموزان روستایی در مسیر تحصیل اثربخش‌اند (Scott & Louie, 2020). موانع تحصیلی می‌توانند از عوامل اجتماعی، فرهنگی و زیرساختی و نیز انواع نابرابری‌ها و تبعیض‌ها نشأت بگیرند (Chauhan & Kumar, 2022). ترک تحصیل به ترک مدرسه از سوی دانش‌آموزان پیش از اتمام دوره تحصیلی گفته می‌شود. دانش‌آموزان به دلایل مختلفی، مانند عوامل اجتماعی و اقتصادی و نابرابری‌های جنسیتی، برای همیشه مدرسه را ترک می‌کنند (Elibol and Bozkurt, 2024). عوامل مختلفی در محیط دانش‌آموز می‌توانند در این رفتار نقش داشته باشند (Banaag et al., 2024).

ترک تحصیل دانش‌آموزان یکی از نگرانی‌های اصلی معلمان، سیاست‌گذاران و والدین است. در واقع، ترک تحصیل تغییری رفتاری است که در آن دانش‌آموزان از رفتن به مدرسه منصرف می‌شوند. عوامل مختلفی در محیط دانش‌آموز می‌توانند در این امر نقش داشته باشند. طبقه اجتماعی دانش‌آموز، شامل سرمایه فرهنگی، سرمایه انسانی، تقسیم کار و ناهنجاری‌های درون آن طبقه، می‌تواند بینش‌هایی درباره رفتار بالقوه دانش‌آموز در قبال مدرسه و ترک تحصیل به دست دهد. ترک تحصیل نتیجه تعامل پیچیده عوامل چندلایه مرتبط با دانش‌آموزان است (Karacan Ozdemir et al., 2024). به گفته نگوین و همکاران (۲۰۲۲)، مشارکت والدین نقشی مهم در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان، به‌ویژه دانش‌آموزانی دارد که ممکن است با مشکلات تحصیلی مواجه باشند. والدین می‌توانند به‌طور فعال در آموزش فرزندان خود مشارکت و از آنان حمایت کنند و بر عملکرد، پیشرفت تحصیلی و انگیزه تحصیلی فرزندان تأثیر مثبت بگذارند (Nguyen et al., 2022). فقر والدین و نامناسب بودن شرایط اولیه زندگی، در کنار محدود بودن شبکه‌های ارتباطی اجتماعی خانوارها، مانع شکل‌گیری درکی صحیح از منافع تحصیلات می‌شود. به دلیل ماهیت مناطق روستایی، که از شاخص‌های توسعه و رفاه به اندازه مناطق شهری بهره‌مند نیستند، دسترسی به نظام آموزشی و ادامه تحصیل افراد یکی از چالش‌های پیش روی نظام آموزشی در مناطق روستایی ایران است (Sepidnameh et al., 2106). از آنجا که محدوده موردنظر جمعیت جوان قابل‌توجه و ظرفیت‌های محیطی زیادی دارد، اما همچنان از مناطق محروم شهرستان ارومیه از نظر اقتصادی، اجتماعی و آموزشی به شمار می‌رود و هر ساله شاهد افت تحصیلی و ترک تحصیل جوانان این منطقه، به‌ویژه در مقاطع متوسطه، هستیم، پرداختن به موضوع ترک تحصیل و افت تحصیلی در این محدوده اهمیت بسیاری دارد؛ این در حالی است که تاکنون مطالعه‌ای درباره ترک تحصیل در این مناطق انجام نشده است. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود با رویکردی جدید، مدلی پارادایمی از عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان مقطع متوسطه در نواحی کوهستانی مورد مطالعه ارائه شود. بنابراین، با توجه به محدودیت‌های ذکرشده در مطالعات پیشین، پژوهش حاضر با در نظر گرفتن همه موانع مربوط و بهره‌گیری از رویکرد کیفی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد، می‌کوشد با آگاهی از دیدگاه صاحب‌نظران (معلمان مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه)، گامی اساسی در جهت کشف ابعاد و مؤلفه‌های موضوع حاضر بردارد و پایه‌ای برای مطالعات بیشتر درباره افت تحصیلی و ترک تحصیل دانش‌آموزان روستایی در همه مقاطع تحصیلی این منطقه باشد. پژوهش حاضر درصدد است به دو سؤال اساسی پاسخ دهد:

(۱) از دیدگاه خبرگان (معلمان)، مؤلفه‌های مؤثر بر ترک تحصیل پسران نواحی روستایی محدوده مورد مطالعه کدام‌اند؟

(۲) پارادایم مفهومی مناسب برای جلوگیری از ترک تحصیل پسران نواحی روستایی موردنظر چیست؟

Kavčič et al. (۲۰۲۴)، در پژوهشی با عنوان «دلایل اصلی ترک تحصیل در مدارس موسیقی اسلونی: یک مطالعه کیفی»، نشان دادند که پرداختن به مسائل چندوجهی، بر اهمیت ایجاد محیط‌های حمایتی تأکید می‌کند. توجه به نیازها و علایق فردی در نهایت به بهبود آموزش کلی موسیقی و کاهش نرخ ترک تحصیل در محدوده مورد مطالعه می‌انجامد. Khurram et al. (۲۰۲۳)، در پژوهشی با عنوان «درک ترک تحصیل و تأثیر آن بر جامعه در منطقه خولنا در بنگلادش»، نشان دادند که بی‌ثباتی اقتصادی-اجتماعی یکی از عوامل تعیین‌کننده ترک تحصیل است و نمایه‌ای متمایز در مقایسه با دانش‌آموزان عادی ترسیم می‌کند؛ وضعیتی که با کاهش مشارکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه تشدید می‌شود. به‌طور قابل‌توجهی، فقدان نظارت والدین به‌عنوان یکی از عوامل اصلی پیش‌بینی‌کننده ترک تحصیل شناخته می‌شود؛ عاملی که فراتر از ساختارهای خانوادگی تعریف‌شده بر اساس مشاغل والدین است. Hernæs et al. (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان «آیا می‌توان با شرایط رفاهی به جنگ ترک تحصیل دانش‌آموزان رفت؟»، نشان دادند که بین شرایط رفاه اقتصادی و اجتماعی و میزان ترک تحصیل، رابطه معناداری وجود دارد. Şahin et al. (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان «علل غیبت‌گرایی و ترک تحصیل دانش‌آموزان در ترکیه»، عواملی از قبیل روابط کودک و والدین در خانواده، مشکلات اقتصادی و خانوادگی، نگرش به تعلیم و تربیت، روابط مدیر و معلم با دانش‌آموزان و چگونگی تعامل معلم با دانش‌آموز در کلاس را از دلایل اصلی ترک تحصیل بیان کردند. Hongmei et al. (۲۰۱۲)، با بررسی علل ترک تحصیل دانش‌آموزان دوره متوسطه در مناطق فقیر چین، به این نتیجه رسیدند که با وجود حمایت دولت از خانواده‌های فقیر، فقر همچنان به‌عنوان مهم‌ترین عامل در بازماندگی دانش‌آموزان از تحصیل مؤثر است. Sewell (۲۰۰۶)، در پژوهشی با عنوان «ترک تحصیل دانش‌آموزان روستایی استرالیایی»، نتیجه گرفت که ترک تحصیل در مقاطع بالاتر ناشی از سه دسته عامل بوده است: موانع مالی، فاصله فیزیکی و نگرش دانش‌آموزان درباره ارزش ادامه تحصیل و اجتماع، و ویژگی‌های خانواده و مدارس. Shakuri et al. (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه کیفی ادراک معلمان از موانع تحصیل اثربخش در روستا»، موانع تحصیل اثربخش در روستاها را از منظر معلمان در شش حوزه بررسی کردند: موانع خانوادگی، مشکلات و موانع زیرساختی، موانع اقتصادی، موانع موقعیتی، موانع مربوط به آموزگار و موانع درون‌فردی. Biranod et al. (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان «تفاوت‌های روستا-شهری ازدواج و ترک تحصیل دختران در دوره متوسطه دوم (دبیرستان)»، نشان دادند که عوامل متعددی در ترک تحصیل دختران روستایی نقش دارند؛ از جمله عوامل خانوادگی (فرار از خانواده نابسامان، اعتیاد والدین، بی‌توجهی والدین به تحصیل دختران، اقتدار و سخت‌گیری والدین)، اقتصادی (فقر و محرومیت)، اجتماعی (ترس از مجرد ماندن، نفوذ همسالان، نابرابری

جنسیتی) و فرهنگی (حفظ آبرو، فرار از فشارهای اجتماعی و دسترسی نداشتن به مراکز آموزشی). Hossein Bar and Baloch Zahi (۲۰۲۰)، در پژوهشی با عنوان «افت تحصیلی در مناطق پیرامونی مقطع تحصیلی متوسطه دوم استان سیستان و بلوچستان»، نشان دادند که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر افت تحصیلی در مدل، بر مبنای قدرت تبیینی، به‌ترتیب عبارت‌اند از: هزینه‌های تحصیلی، انگیزه یافتن شغل و تعداد دوستان صمیمی درس‌خوان. Shah Mohammadi and Bahmani (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان «واکاوی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دختران روستایی با رویکرد مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد: مورد استان کردستان»، نشان دادند که هفت مقوله بر ترک تحصیل دختران روستایی اثرگذارند: عوامل اقتصادی و معیشتی، عوامل محیط آموزشی، تعاملات معلم و شاگردان، ساختار معیوب خانواده، زمینه‌های فرهنگی و ارزشی، آسیب‌های تحصیلی و نگرش منفی به کارکرد سواد. Sadeghi et al. (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان «بی‌انگیزگی تحصیلی دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه اول نواحی روستایی: یک مطالعه داده‌بنیاد»، هشت مقوله اصلی را از عوامل بی‌انگیزگی تحصیلی دانش‌آموزان روستایی برشمردند: سرمایه خانواده، میدان‌های متقاطع، منش و سبک تدریس معلم، خود پنهان، پرسه‌زنی متنوع، چالش‌های تردد، اشکال و تناقضات نظام ارزیابی و تقلیل‌گرایی سواد به خواندن و نوشتن. Motaghi et al. (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان «ارتباط معلم‌دانش‌آموز و تصمیم به ادامه یا ترک تحصیل: نقش واسطه‌ای انگیزش خودتعیین‌گری و عملکرد تحصیلی»، نشان دادند که بهبود روابط معلم و دانش‌آموز می‌تواند ضمن افزایش انگیزش و بهبود عملکرد دانش‌آموز، تصمیم به ترک تحصیل را کاهش دهد. اگرچه مجموعه گسترده‌ای از تحقیقات درباره این موضوع وجود دارد، ترک تحصیل دانش‌آموزان همچنان مسئله‌ای مهم است که با عدم قطعیت‌های متعدد و جنبه‌های مبهم مشخص می‌شود (Elibol and Bozkurt, 2024). بنابراین، ترک تحصیل و افت تحصیلی دانش‌آموزان در نواحی روستایی علل گوناگونی دارد که تاکنون در پژوهش‌های مختلف بیشتر از دیدگاه جنسیتی (دختران) بررسی شده است؛ اما پژوهش حاضر با روایتی تازه، به پسران دوره متوسطه دوم در نواحی کوهستانی (روستایی) می‌پردازد. با توجه به نرخ بالای ترک تحصیل و پیامدهای گسترده آن، نیاز مبرمی به بررسی همه‌جانبه علل ریشه‌ای و عوامل مؤثر وجود دارد. ادبیات موجود نشان می‌دهد که ترک تحصیل موضوعی پیچیده است و متغیرهای بی‌شماری در آن نقش دارند که در حوزه‌های فردی، خانوادگی و نهادی-اقتصادی قرار می‌گیرند. بنابراین، ترک تحصیل بی‌شک یکی از مهم‌ترین مشکلات تأثیرگذار بر نظام‌های آموزشی است؛ زیرا خسارات ناشی از آن تنها علمی نیست، بلکه اجتماعی نیز هست. به همین دلیل، بررسی علل ترک تحصیل همواره موضوع مطالعات جهانی، به‌ویژه پژوهش‌های آموزشی، بوده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از منظر هدف، کاربردی و بر اساس ماهیت و روش، کیفی است. جامعه مورد مطالعه را معلمان نواحی روستایی در سال ۱۴۰۳ تشکیل می‌دهند که حداقل سه سال سابقه خدمت در روستاهای بخش سیلوانا داشته‌اند. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند معیارمحور، ۱۲ معلم دوره متوسطه دوم در رشته مطالعات اجتماعی انتخاب شدند. حجم نمونه نیز از طریق اشباع نظری و پس از انجام ۱۲ مصاحبه تعیین شد؛ به عبارتی، ملاک انتخاب نمونه بر اساس شاخص اشباع نظری بود. با انجام مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها، سرانجام این اطمینان حاصل شد که انجام مصاحبه‌های بیشتر به کشف موارد جدیدی منتهی نمی‌شود و این امر بر قاعده اشباع نظری دلالت داشت. زمان مصاحبه‌ها برای همه افراد یکسان نبود و بسته به شرایط هر فرد، از ۲۵ تا ۶۰ دقیقه متغیر بود. گردآوری اطلاعات تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. در راستای معیارهای ارزشیابی پژوهش، هر سه معیار اعتبار، انتقال‌پذیری و اعتمادپذیری (ثبات) مورد تأیید قرار گرفت. محتوای متن مصاحبه‌ها بر اساس شیوه کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) تحلیل شد و در قالب یک مضمون مرکزی (مقوله مرکزی)، پنج مضمون اصلی و ۳۵ زیرمضمون سازمان‌دهی شد.

۴. یافته‌ها

۱-۴ ویژگی‌های توصیفی مشارکت‌کنندگان

در جدول (۱)، مشخصات مصاحبه‌شوندگان بر اساس تحصیلات، سابقه کاری و مقطع تحصیلی مشخص شده است؛ ۶۶/۶۵ درصد مشارکت‌کنندگان دارای مدرک کارشناسی و ۳۳/۳۵ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند.

جدول ۱: ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان

جنسیت	تحصیلات	سابقه کاری	مقطع تدریس
	کارشناسی	۶	متوسطه دوم
	ارشد	۵	
	کارشناسی	۵	
	کارشناسی	۴	
	کارشناسی	۸	
	ارشد	۶	

مرد	کارشناسی	۸
	کارشناسی	۹
	ارشد	۳
	کارشناسی	۷
	کارشناسی	۶
	ارشد	۳

ماخذ: یافته های تحقیق: ۱۴۰۴

بر اساس نتایج، در بررسی بسترها و زمینه های ترک تحصیل پسران مقطع متوسطه دوم نواحی روستایی محدوده مورد مطالعه، با مضمون مرکزی «بسترها و زمینه های ترک تحصیل پسران مقطع متوسطه دوم نواحی روستایی مورد مطالعه در قالب فقر یکپارچه محیط روستایی به مثابه میدان ترک تحصیل»، ۵ مقوله اصلی (با ۳۵ زیرمضمون) از میان داده های اولیه حاصل از مصاحبه ها (۹۸ تم اولیه حاصل از کدگذاری باز) استخراج شد. این مقوله ها شامل عوامل خانوادگی (آسیب های آموزشی - تحصیلی، ۸ مضمون)، اقتصادی - معیشتی (۷ مضمون)، اجتماعی (۳ مضمون)، فرهنگی و ارزشی (۹ مضمون) و زیرساختاری - کالبدی و مدیریتی (۸ مضمون) است. در جدول (۲)، به مضامین اصلی و زیرمقولات به دست آمده براساس سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی (گزینشی) اشاره شده است.

جدول ۲. سطوح مضامین، عوامل ترک تحصیل پسران مقطع متوسطه اول روستایی از منظر جامعه معلمان مورد پژوهش

بسترها و زمینه های ترک تحصیل پسران مقطع متوسطه دوم نواحی روستایی مورد مطالعه از دیدگاه گروه های قانونی		
مضامین	مضمون اصلی	مضمون مرکزی
* بی سواد و یا کم سواد والدین روستایی * ضعف نظارت والدین * فراوانی جمعیت خانواده * عدم اولویت خانواده ها به تحصیل * غیبت های مکرر * ضعیف شدن پایه های تحصیلی * سرزنش والدین	عوامل خانوادگی (آسیب های آموزشی-تحصیلی)	
* عدم انگیزه برای تحصیل * بی رغبتی برای ارتقای پایه تحصیلی * بی میلی در مشارکت تحصیلی	عوامل اجتماعی	
* کمبود امکانات آموزشی * فقدان بسترسازی مناسب نرم افزاری * آموزشی و فضای مجازی * ساختمان های نامناسب آموزشی * نبود مقاطع تحصیلی بالاتر در روستا * نابرابری آموزشی نسبت به شهر * کمبود بودجه آموزشی * مدیریت نادرست آموزشی * نبود سرویسهای ایاب و ذهاب	عوامل زیرساختی-کالبدی و مدیریتی	
* ترک تحصیل برای امرار معاش * فقر اقتصادی * ناتوانی تأمین هزینه های تحصیلی * فصلی بودن درآمد خانواده * تورم * عدم بهره مندی از پوشش نهادهای حمایتی * بی سرپرستی یا بدسرپرستی * فشارهای مالی	عوامل اقتصادی-معیشتی	بسترها و زمینه های ترک تحصیل پسران مقطع متوسطه دوم نواحی روستایی مورد مطالعه در قالب فقر یکپارچه محیط روستایی به مثابه میدان ترک تحصیل
* رخنه فرهنگ شهرنشینی * تهاجم فرهنگی * فقر فرهنگی * عدم پیشرفت فرهنگی * ترویج بی فایدهی درس خواندن	عوامل محیط فرهنگی (ارزشی) و آموزشی	

		* ترویج الگوی ترک تحصیل * کم سواد * بی سواد والدین * مشکلات فرهنگی
--	--	--

۴-۲. شرایط علی

در تحلیل داده‌های پژوهش حاضر، شرایط علی منجر به ایجاد زمینه‌هایی می‌شوند که دانش‌آموزان روستایی محدوده مورد مطالعه را ناچار به ترک تحصیل می‌کنند. این عوامل علی تحت عنوان عوامل اقتصادی و معیشتی خانواده‌های روستایی مطرح می‌شوند:

۴-۲-۱. عوامل اقتصادی و معیشتی در روستا

با اینکه روستا بدنه اصلی تولید ملی است، همیشه با فقر اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان مورد مصاحبه، فقر اقتصادی خانواده‌ها در نواحی روستایی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی، یا به‌عبارت دقیق‌تر، زمینه‌های ترک تحصیل دانش‌آموزان روستایی ذکر شده است و ۷ زیرمقوله اقتصادی مطرح شد (از بین ۱۵ تم اولیه). درواقع، این مقوله متشکل از عوامل بازدارنده اقتصادی مانند ترک تحصیل برای امرار معاش، فقر اقتصادی، ناتوانی در تأمین هزینه‌های تحصیلی، فصلی بودن درآمد خانواده، تورم، عدم بهره‌مندی از پوشش نهادهای حمایتی، بی‌سرپرستی یا بدسرپرستی بوده است.

۴-۳. عوامل مداخله‌گر

۴-۳-۱. محیط آموزشی-فرهنگی

در مناطق روستایی، مشکلات آموزشی-فرهنگی همواره به‌عنوان چالشی اساسی مطرح بوده‌اند و این نواحی متأسفانه در این بُعد از توسعه، نسبت به مناطق شهری با کمبودهایی روبه‌رو هستند و در این زمینه، اثرات جبران‌ناپذیری را در فضای روستایی تجربه کرده‌اند. محیط آموزشی-فرهنگی درواقع به مسائلی اشاره دارد که در چارچوب فضای آموزشی-فرهنگی رخ می‌دهند. مؤلفه‌هایی مانند رخنه فرهنگ شهرنشینی، ته‌اجم فرهنگی، فقر فرهنگی، عدم پیشرفت فرهنگی، ترویج بی‌فایده‌ی درس‌خواندن، ترویج الگوی ترک تحصیل، کم‌سواد، بی‌سواد والدین، مشکلات فرهنگی، ضعف نظارت والدین، فراوانی جمعیت خانواده، در اولویت نبودن تحصیل برای خانواده‌ها، غیبت‌های مکرر، ضعیف شدن پایه‌های تحصیلی و سرزنش والدین، از جمله عوامل مؤثر و سرنوشت‌ساز در ترک تحصیل بسیاری از پسران روستایی بوده‌اند. در بعضی از مناطق روستایی، فاصله روستاها از یکدیگر یا از بخش مرکزی زیاد است و این امر می‌تواند برای ادامه تحصیل افراد روستایی مشکلاتی ایجاد کند.

۴-۴. عوامل زمینه‌ای

۴-۴-۱. عوامل محیط اجتماعی

در زمینه عوامل محیط اجتماعی روستا عوامل بسیار زیادی مؤثر می‌باشد یعنی هم اثرگذاری زیادی دارد و هم اثرپذیری زیاد، و با توجه به این که این محیط در بستر فضای زندگی کوچکی محدود می‌باشد زودتر خود را نمایان تر می‌کند. در مورد عوامل زمینه‌ای علل ترک تحصیلی افراد روستایی در محدوده مورد مطالعه، عوامل محیط اجتماعی به‌عنوان مقوله اصلی شناخته شده است. در واقع این مقوله دلالت بر مضامینی دارد که در محیط اجتماعی فرد روی می‌دهد: برخی از مفاهیم این مقوله عبارتند از: عدم انگیزه برای تحصیل، بی‌رغبتی برای ارتقای پایه تحصیلی، بی‌میلی در مشارکت تحصیلی می‌باشد.

۴-۵. مقوله مرکزی (محوری)

در این پژوهش، پس از طی چندین گام از مراحل مصاحبه، یعنی کدگذاری باز، محوری و انتخابی، نهایتاً مقوله مرکزی با عنوان «فقر یکپارچه محیط کوهستانی به‌مثابه ترک تحصیل پسران مقطع تحصیلی دوره دوم دبیرستان نواحی روستایی در بخش سیلوانا» به‌عنوان مقوله مرکزی مضامین پنج‌گانه مطرح شده انتخاب شد. در واقع، این مقوله همه زیرمضامین اصلی را در ابعاد گوناگون شامل می‌شود.

۴-۶. راهبردها

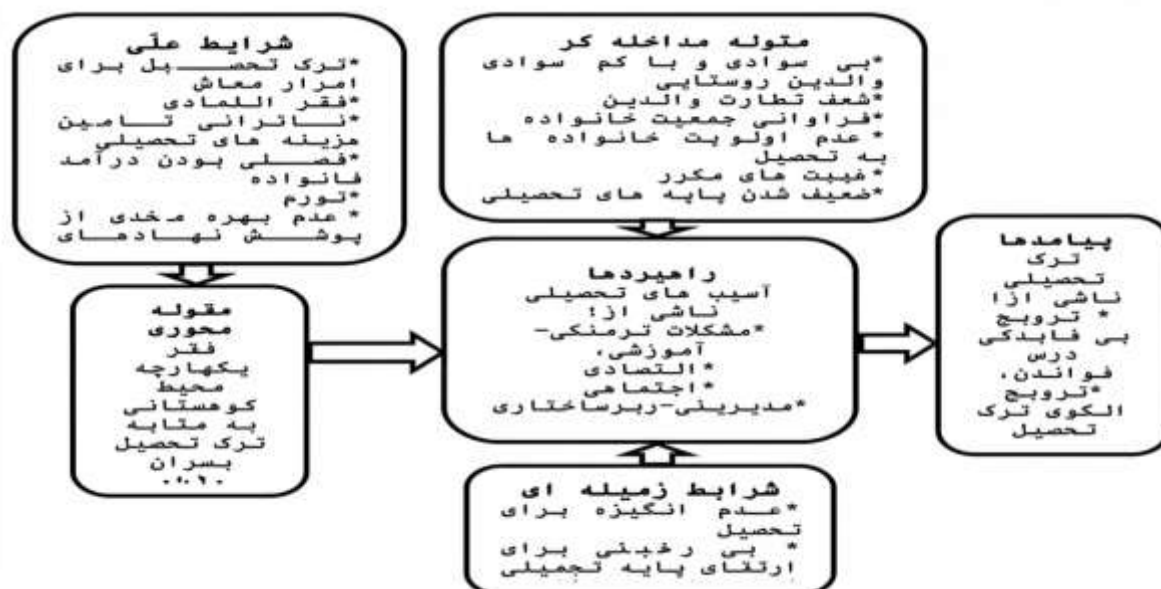
۴-۶-۱. مقوله آسیب‌های تحصیلی

آسیب‌های تحصیلی در تمامی فضاهای جغرافیایی شهری و روستایی دیده می‌شوند، ولی شدت و آثار این آسیب‌های تحصیلی در فضاهای سکونتگاهی روستایی کاملاً مشهودتر از نواحی شهری است. در این زمینه، تنها یک عامل دخیل نیست، بلکه این آسیب‌ها تحت تأثیر توسعه‌نیافتگی در تمامی ابعاد توسعه قرار دارند. این مقوله که تحت عنوان آسیب‌های تحصیلی مطرح می‌شود، نتیجه و ماحصل نقص و کمبود

در ابعاد اقتصادی، معیشتی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و زیرساختی - مدیریتی بوده است و نتیجه چنین عملکرد ناقصی در بستر آموزشی فضای روستایی، زمینه را برای ترک تحصیل فراهم می‌آورد.

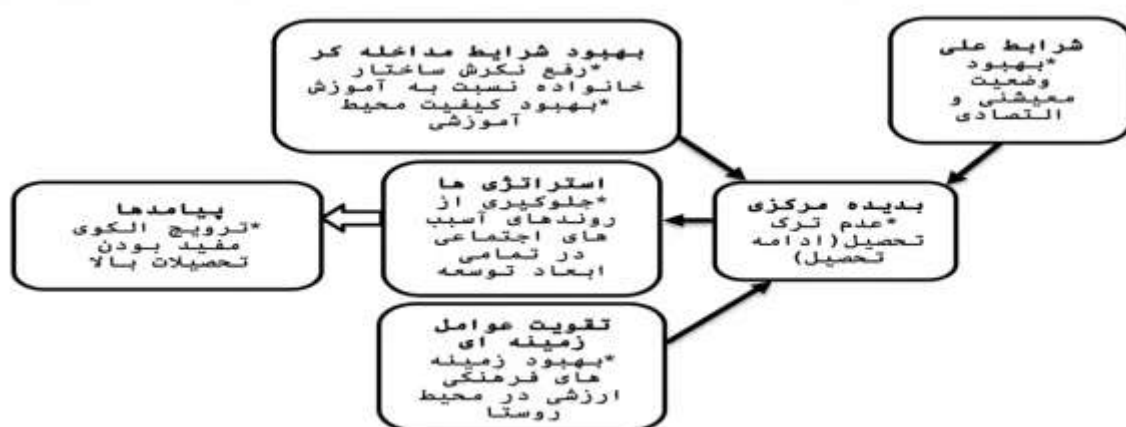
۴-۷. پیامدها

این مقوله بیانگر نتایج تعامل‌ها و راهبردهاست و تحت تأثیر شرایط مربوط به آن است. این مقوله شامل ترویج بی‌فایده‌گی درس خواندن (ناباوری به سواد) و ترویج الگوی ترک تحصیل در محیط روستایی است (شکل ۱).



شکل ۱. مدل سازی مفهومی مقولات مولفه های موثر بر ترک تحصیل پسران نواحی روستایی در مقطع متوسطه دوم

بر اساس نتایج تحلیلی حاصل از مطالعات کیفی پدیدارشناسانه درباره علل ترک تحصیل دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه دوم در نواحی روستایی محدوده مورد مطالعه، ۳۵ مضمون از ۹۸ تم اولیه، در قالب ۵ مقوله اصلی و یک مقوله مرکزی، از دیدگاه و ادراک معلمان مشارکت‌کننده شناسایی و تحلیل شد. همه شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای، مقوله محوری، پیامدها و راهبردها، همراه با زیرمضمون‌ها و مقوله‌های اصلی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی-ارزشی، زیرساختی-مدیریتی و خانوادگی، در قالب مدلی مفهومی از علل ترک تحصیل دانش‌آموزان نواحی روستایی ارائه شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که فقر روستایی در این محدوده بسیار بارزتر از فقر شهری است و این فقر در همه ابعاد توسعه، به‌ویژه در توسعه آموزشی و فرهنگی، آشکارتر شده است. بروز این فقر آموزشی تنها به یک عامل توسعه محدود نمی‌شود و همه عوامل توسعه در روند کاهش توسعه آموزشی در نواحی روستایی این محدوده دخیل‌اند.



شکل ۲. الگوی مفهومی مناسب برای جلوگیری از ترک تحصیل پسران روستایی متوسطه دوم

در شکل (۲)، الگوی مفهومی مناسب برای جلوگیری از ترک تحصیل پسران نواحی روستایی محدوده مورد مطالعه، با توجه به ادراک نهایی معلمان مصاحبه‌شده، ترسیم شده است. هدف از این پارادایم توسعه، بیشتر شناسایی نقاط ضعف و کشف استعدادها و منطقه در جهت بهبود

محیط آموزشی است؛ این الگو در قالب شرایط دخیل، علت‌های موجود، پدیده‌های مرکزی، عوامل زمینه‌ای، راهبردها و در نهایت پیامدهایی ترسیم شده است که به توسعه محیط آموزشی کیفی در محدوده مورد مطالعه منجر می‌شوند. بنابراین، برای رسیدن به الگوی مناسب برای آموزش در محیط جغرافیایی روستایی، باید تمامی ابعاد توسعه به صورت یکپارچه در نظر گرفته شوند؛ به عبارتی، باید نگرشی سیستمی به توسعه آموزش داشته باشیم. نگاه تک‌بعدی به محیط آموزشی، ناترازی آموزشی را به وجود می‌آورد؛ امری که در نظام آموزشی کنونی، در محیط‌های شهری و روستایی کاملاً نمایان است. تفاوت‌ها و فاصله‌های زیادی از نظر کمیت و کیفیت آموزش بین این دو محیط جغرافیایی مشهود است و محدوده مورد مطالعه نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. مشکل آموزشی ترک تحصیل در محیط روستایی را باید در بستر آن بررسی کرد، نه در حاشیه؛ یعنی باید عوامل ترک تحصیل و افت تحصیلی را همه‌جانبه نگریست. بنابراین، با توجه به نتایج تحلیل کیفی موضوع مورد مطالعه، در پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده در پژوهش:

(۱) از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، مؤلفه‌های مؤثر بر ترک تحصیل پسران نواحی روستایی کدام‌اند؟ پنج مقوله در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی - ارزشی و مدیریتی - زیرساختی (فقر یکپارچه) شناسایی شده‌اند.

(۲) پارادایم مفهومی مناسب برای جلوگیری از ترک تحصیل پسران نواحی روستایی چیست؟ پارادایم مناسب برای جلوگیری از ترک تحصیل پسران نواحی روستایی، با توجه به شرایط دخیل و مداخله‌گر (درونی و بیرونی) و زمینه‌ها، رفع موانع تحصیل اثربخش با توجه به ابعاد اقتصادی، خانوادگی، فرهنگی و نهادی، در جهت ترمیم نظام تحصیلی است.

۵. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

آموزش نقش اساسی در موفقیت زندگی دارد و می‌تواند شیوه زندگی و دیدگاه فکری افراد را تغییر دهد. آموزش نه تنها برای افراد، بلکه برای ملت‌ها نیز نقش مهمی در کاهش فقر پایدار ایفا می‌کند. محیط روستایی آبستن بسیاری از محرومیت‌هاست؛ از مشکلات اقتصادی گرفته تا انسدادهای فکری و فرهنگی. یکی از مشکلاتی که در روستاها بیش از شهرها به چشم می‌خورد، ترک تحصیل دانش‌آموزان است.

پژوهش حاضر با هدف بررسی تحلیلی و پدیدارشناسانه علل ترک تحصیل دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه دوم در نواحی روستایی منطقه سیلوانا از شهرستان ارومیه، با استفاده از رهیافت تحلیل مضمون در پژوهشی کیفی انجام شد. ۳۵ مضمون از ۹۸ تم اولیه، در قالب ۵ مقوله اصلی و یک مقوله مرکزی، بر اساس دیدگاه و ادراک معلمان مشارکت‌کننده شناسایی و تحلیل شد. همه شرایط علّی، مداخله‌گر و زمینه‌ای، مقوله محوری، پیامدها و راهبردها، همراه با زیرتم‌ها و مقوله‌های اصلی، در قالب مدلی مفهومی از علل ترک تحصیل دانش‌آموزان نواحی روستایی ارائه شده است.

نتایج نشان داد که مشکلات و موانع متعددی در محیط روستایی باعث شکل‌نگرفتن مناسب فرایند آموزشی و ترک تحصیل دانش‌آموزان می‌شود. در این تحقیق، پنج مانع اصلی شناسایی شد: (۱) زیرساختی - مدیریتی، (۲) خانوادگی، (۳) معیشتی - اقتصادی، (۴) اجتماعی و (۵) فرهنگی - ارزشی. همچنین نتایج پژوهش حاضر از نظر ابعاد اقتصادی (فقر) و اجتماعی با مطالعات خارجی (Khurram et al. (2023)، (Kavčič et al. (2024، (Hongmei et al. (2012، (Hernæs et al. (۲۰۱۶) و (Şahin et al. (۲۰۱۶) مطابقت دارد. نتایج مطالعه حاضر از نظر ابعاد فرهنگی - اجتماعی و زیرساختی - مدیریتی نیز با نتایج پژوهش‌های داخلی (Shakuri et al. (۲۰۲۱) و (Biranvand et al. (۲۰۲۱) مطابقت و قرابت نزدیکی دارد.

ترک تحصیل دانش‌آموزان در هر مقطع تحصیلی دلایل مختلفی دارد و نمی‌توان با تجویز نسخه‌ای کلی به درمان همه موارد پرداخت. در این باره، توجه همه‌جانبه به عوامل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مشکل ترک تحصیل را باید در بستر آن بررسی کرد، نه در حاشیه؛ یعنی باید عوامل ترک تحصیل و افت تحصیلی را همه‌جانبه نگریست. به طور کلی، با توجه به مقوله مرکزی فقر محیطی مناطق روستایی، که خود ناشی از عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی - آموزشی و مدیریتی است، این فقر زمینه‌ساز ترک تحصیل فراگیران این مناطق می‌شود. در بعد محیطی، عواملی چون فقر اقتصادی مناطق روستایی، چالش‌های خانوادگی دانش‌آموزان این مناطق و باورهای فرهنگی روستاییان نمود بارزتری دارند.

در این زمینه، نظام آموزشی و دولت‌ها (با سیاست‌های متمرکز) باید زمینه فقرزدایی را در همه ابعاد فرهنگی و اقتصادی در روستاها فراهم کنند و نهادهای حاکمیتی با اعطای یارانه‌های هدفمند (یارانه آموزشی) به دانش‌آموزان روستایی، این چالش‌ها را برطرف سازند. به نظر می‌رسد سهم آموزش در رشد و تعالی افراد، جامعه‌پذیری، افزایش خلاقیت، دستیابی به شغل و هویت شغلی و تأمین معاش خانواده در آینده، چه در جغرافیای شهری و چه در جغرافیای روستایی، چنان پراهمیت است که می‌توان از آن به عنوان سنج‌های برای شکوفایی جامعه و کاهش مشکلات فرهنگی و اجتماعی، از جمله بزهکاری، معضلات روان‌شناختی و مهاجرت از روستا به شهر، استفاده کرد.

بنابراین می‌توان اذعان کرد که مناطق روستایی از نظر توسعه در قالب‌های مختلف، به‌ویژه توسعه آموزشی، در مقایسه با مناطق شهری عقب‌ماندگی زیادی دارند و این امر در ابعاد مختلف توسعه کاملاً مشهود است. از این‌رو، دستیابی به توسعه کیفی آموزشی و جلوگیری از ترک تحصیل دانش‌آموزان نواحی روستایی محدوده مورد مطالعه، نیازمند تدوین راهکارهای علمی بر اساس برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی آن منطقه است؛ راهکارهایی که با هدف کاهش افت تحصیلی و در نهایت جلوگیری از ترک تحصیل دانش‌آموزان تدوین شوند. زیرا ترک تحصیل یک جوان روستایی پیامدهای بسیاری در ابعاد محلی، منطقه‌ای و حتی ملی دارد. بنابراین، دستیابی به نظام آموزشی مناسب در نواحی روستایی مستلزم ترسیم مدلی جامع از موانع ترک تحصیل و افت تحصیلی در این نواحی است. مطابق باورهای پارادایم تفسیری، در حال حاضر می‌توان علل ریشه‌ای و اساسی ترک تحصیل دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم مناطق روستایی سیلوانا را در قالب یک دیدگاه بیان کرد: فقر یکپارچه محیط روستایی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، ارزشی و زیرساختی. در همین راستا، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. توجه به آمایش سرزمینی در قالب آموزشی (توسعه زیرساخت‌های آموزشی حداقل تا سطح برابری با مناطق شهری)
۲. رفع مشکلات زیرساختی در مناطق روستایی، از جمله خدمات حمل‌ونقل و جاده‌ها
۳. ایجاد پایگاه‌های روان‌شناسی برای حل مشکلات افسردگی، اختلالات اجتماعی، روحی، خانوادگی و یادگیری دانش‌آموزان
۴. با مشخص شدن علل و عوامل اصلی ترک تحصیل، لازم است اداره آموزش و پرورش برای چاره‌اندیشی درباره این علت عمده و زیربنایی اقدام کند.

۶. منابع

۱. حسین بر، محمدعثمان و بلوچ زهی، اسلم. (۱۴۰۰). افت تحصیلی در مناطق پیرامونی (مورد مطالعه: دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر نیک‌شهر استان سیستان و بلوچستان). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۳۱(۳)، ۸۰۵-۸۲۹.
۲. بیرانوند، سارا، فیروزآبادی، سید احمد و صادقی، رسول. (۱۴۰۱). تفاوت‌های روستا-شهری ازدواج و ترک تحصیل دختران در دوره متوسطه دوم (دبیرستان). نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۱۷(۳۳)، ۵۱-۷۶.
۳. صادقی، درنا، خدارحمی، سمیه و مومنی، حسن. (۱۳۹۸). بی‌انگیزگی تحصیلی دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه اول نواحی روستایی: یک مطالعه داده بنیاد. نوآوری‌های آموزشی، ۱۸(۳)، ۱۲۷-۱۴۸.
۴. شاه‌محمدی، انور و بهمنی، مهری. (۱۳۹۹). واکاوی عوامل موثر بر ترک تحصیل دختران روستایی با رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد: مورد استان کردستان. تدریس پژوهی، ۸(۳)، ۱۹۴-۱۷۱.
۵. شکوری علی، سرکشکیان سید مهدی، راجی زهرا. (۱۴۰۱). مطالعه کیفی ادراک معلمان از موانع تحصیل اثربخش در روستا رویش روان شناسی ۱۱ (۶): ۲۱۷-۲۲۸.
۶. سپیدنامه، بهروز، مومنی، حسن و سلیمان نژاد، محمد. (۱۳۹۵). شناسایی دلایل ترک تحصیل دانش‌آموزان مقطع ابتدایی منطقه آموزش و پرورش موسیان (نواحی روستایی). توسعه محلی (روستائی-شهری)، ۸(۱)، ۱۶۷-۱۹۸.
۷. متقی، شکوفه، یزدی، سیده منور، بنی جمالی، شکوه السادات و درویره، زهرا. (۱۳۹۳). ارتباط معلم - دانش آموز و تصمیم به ادامه یا ترک تحصیل : نقش واسطه ای : نقش واسطه های انگیزش خود تعیین گری و عملکرد تحصیلی. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۸(۲۷)، ۳۵-۵۸.

1. Archambault, I., Janosz, M., Fallu, J. S., & Pagani, L. S. (2009). Student engagement and its relationship with early high school dropout. *Journal of Adolescence*, 32(1).
2. Banaag, R. A., Sumodevilla, J. L. C., & Potane, J. D. (2024). Factors affecting student drop-out behavior: A systematic review. *International Journal of Educational Management and Innovation*, 5(1), 53-70.
3. Bhumail, A., & Sampa, P. (2005). Development of rural women through education and empowerment. Delhi: Abhijeet Publications.
4. Bogdan, P. F., Teodorescu, C., & Cioclu, A. (2024). School dropout in satellite towns around Bucharest, Romania. *Social Sciences*, 13, 285. <https://doi.org/10.3390/socsci13060285>
5. Chauhan, A., & Kumar, S. A. (n.d.). A study on problems and challenges faced by girl students in higher education. *Philosophical Readings*, XIII(4), 130-135. <https://doi.org/10.5281/zenodo.5833619>
6. Choi, Á., & Calero, J. (2018). Early school dropout in Spain: Evolution during the Great Recession. In M. Malo & A. Moreno Mínguez (Eds.), *European Youth Labour Markets* (pp. 143-156). Springer, Cham.

7. Elibol, S., & Bozkurt, A. (2024). Student dropout as a never-ending evergreen phenomenon of online distance education. *European Journal of Investigation in Health, Psychology and Education*, 13, 906–918. <https://doi.org/10.3390/ejihpe13050069>
8. Hernæs, Ø., Markussen, S., & Røed, K. (2016). Can welfare conditionality combat high school dropout? *IZA Discussion Paper*, No. 9644.
9. Yi, H., Zhang, L., Luo, R., Shi, Y., Mo, D., Chen, X., Brinton, C., & Rozelle, S. (2012). Why are students leaving junior high in China's poor rural areas? *Elsevier*, 32, 555–563.
10. Johnson, K. M., & Levitan, J. (2022). Rural indigenous students in Peruvian urban higher education: Interweaving ecological systems of coloniality, community, barriers, and opportunities. *Diaspora, Indigenous, and Minority Education*, 16(1), 21–42. <https://doi.org/10.1080/15595692.2021.1974383>
11. Kavčič Pucihar, A., Habe, K., Rotar Pance, B., & Laure, M. (2024). The key reasons for dropout in Slovenian music schools: A qualitative study. *Frontiers in Psychology*, 15:1385840. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2024.1385840>
12. Eranil, K., & Anil, A. (2024). School dropout causes in the Turkish education system (2009–2022): A Pareto analysis by grade level. *Journal of Theoretical Educational Science*, 17(2), 451–477. <https://doi.org/10.30831/akukeg.1291174>
13. Khurram, F. B., Hossain, M. O., Korobi, F. T. J., Khan, M., Talukder, M. U., Nath, C. D., & Talukder, A. (2023). Understanding school dropout and its impact on the community in the Khulna region of Bangladesh. *Open Journal of Social Sciences*, 11(11). <https://doi.org/10.4236/jss.2023.1111038>
14. Motaghi, S., Yazdi, S. M., Bani Jamali, S. A., & Darwezeh, Z. (2013). Teacher–student communication and the decision to continue or drop out of school: The mediating role of motivation, self-determination, and academic performance. *Journal of Research in Educational Systems*, 8(37).
15. Nguyen, G. N. T., Havard, B., & Otto, B. (2022). Parental involvement and high school dropout: Perspectives from students, parents, and mathematics teachers. *European Journal of Educational Research*, 11(1), 469–480.
16. Ozdemir, N. K., Kemer, F. N. A., Arslan, A., & Tuna, B. (2024). A qualitative study of unveiling school dropout complexity in Türkiye. *Child Indicators Research*, 17, 1001–1021. <https://doi.org/10.1007/s12187-024-10116-7>
17. Quiroga, C. V., Janosz, M., Bisset, S. H., & Morin, A. J. S. (2013). Early adolescent depression symptoms and school dropout: Mediating processes involving self-reported academic competence and achievement. *Journal of Educational Psychology*, 105(2).
18. Şahin, Ş., Arseven, Z., & Kılıç, A. (2016). Causes of student absenteeism and school dropouts. *International Journal of Instruction*, 9(1).
19. Scott, D., & Louie, D. (2020). Reconsidering rural education in the light of Canada's Indigenous reality. In *Rural Teacher Education* (pp. 113–133). Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-15-2560-5_5
20. Sewell, J. E. (2006). Barriers to higher education for Australian rural students. *Rural Social Work and Community Practice*, 10(2), 23–27.